یـادداشــت

نفوذ موریانه‌ای اسرائیل در کشورهای عربی

حسن هانی‌زاده
تحلیلگر مسائل بین الملل

آنچه که در کانون عادی سازی رابطه میان رژیم‌های عربی و اسرائیل مورد توجه شدید حکام عرب قرار دارد فرهنگ سازی مقوله پذیرش این رژیم غاصب به عنوان یک کشور تاثیرگذار منطقه ای است که در واقع زمینه نفوذ موریانه‌ای رژیم صهیونیستی در جوامع عربی را فراهم می کند. مرحوم احمد فواد نجم، شاعر طنز پرداز مردمی مصر «۱۹۲۹ - ۲۰۱۳» سه کلید واژه را به عنوان هویت واقعی رژیم های عربی تعریف کرده است. او که در جهان عرب به عنوان دعبل خزاعی معاصر مشهور است ۳ کلید واژه هم قافیه«عروش-تاج وتخت ها- کروش – شکم های برامده و قروش – معادل مال و ثروت» را هویت برخی رژیم‌های امروز عربی تلقی می کرد. از این رو این شاعر مردمی همواره به دلیل هجو حکام عرب که با رژیم صهیونیستی رابطه بر قرار کرده‌اند بارها از سوی محاکم قضایی چه در مصر و چه در خارج مصر تحت تعقیب قرار گرفته بود. او در قصائد هجوی خود بارها حکام عرب را به مثابه مترسک‌هایی توصیف کرده که تنها ملت‌های خود را می ترسانند اما خود ابزار دست قدرت‌های خارجی هستند. وی درعین حال در طول ۴ دهه گذشته در وصف انقلاب اسلامی و مقاومت اسلامی لبنان قصائد حماسی زیادی سرود و از این رو بیشتر رهبران کشورهای عرب بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس ورود او را به کشورهای خود ممنوع کرده بودند. صرف نظر از هزلیات این شاعر پر آوازه مصری واقعیت موجود حکام عرب و مسابقه این حکام برای عادی سازی رابطه با رژیم صهیونیستی دورنمای تاریکی از فضای داخلی جوامع عربی ترسیم می کند. اقدام امارات، بحرین، سودان و مغرب در برقراری رابطه آشکار سیاسی و امنیتی با رژیم صهیونیستی بستر کاملا مناسبی برای نفوذ خزنده این رژیم در شمال آفریقا و جنوب خلیج فارس ایجاد کرده است. به اتکاء همین بستر است که اخیرا نفتالی بنت نخست وزیر رژیم اسرائیل دستور مصادره منازل مسکونی فلسطینیان و احداث چندین شهرک یهودی نشین در اطراف قدس شرقی را صادر کرد. خیز بلند رژیم صهیونیستی برای بهره گیری از منابع فسیلی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و بسترسازی برای ارتقاء سطح تبادل تجاری بین این رژیم و کشورهای خلیج فارس بخشی از رویاهای رهبران اسرائیل تلقی می‌شود. شیمون پرز رئیس سابق رژیم اسرائیل پیش بینی کرده بود که در چارچوب عملیاتی شدن طرح خاورمیانه بزرگ، رژیم صهیونیستی قادر خواهد شد تا سال ۲۰۳۵ حجم تبادل تجاری خود را با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به سالانه تا میزان ۷۰ میلیارد دلار برساند. آخرین کشوری که اخیرا با رژیم صهیونیستی رابطه خود را آشکار و یک توافقنامه امنیتی و نظامی با این رژیم امضاء کرد پادشاهی مغرب بود. آنچه که در کانون عادی سازی رابطه میان رژیم‌های عربی و اسرائیل مورد توجه شدید حکام عرب قرار دارد فرهنگ سازی مقوله پذیرش این رژیم غاصب به عنوان یک کشور تاثیرگذار منطقه‌ای است.

دریچــه

حسن بهشتی‌پور:

در دیپلماسی مرغ چندپا دارد

ایران و آمریکا بپذیرند تمام خواسته‌هایشان محقق نمی‌شود

یک تحلیلگر مسائل بین الملل در ارزیابی روند مذاکرات وین در روزهای گذشته و همچنین استدلال هیأت مذاکره‌کننده ایرانی برای همراهی کارشناسان متعدد، اظهار داشت: خبر خوب آغاز مذاکرات این بود که هیات مذاکره‌کننده کشورمان پذیرفت که روند از صفر آغاز نشده به عنوان پیش‌نویس قرار بگیرد به این معنی که پذیرفتند روی موضوعاتی که توافق شده بحث نکنند، بلکه راجع به موضوعاتی که توافق نشده و در پرانتزها خالی مانده بود، بحث صورت بگیرد. این نقطه پیشرفت و مایه امیدواری است که مذاکرات به این صورت سریع‌تر پیش خواهد رفت تا این که بخواهند از نقطه صفر شروع کنند. حسن بهشتی‌پور گفت: نکته بعدی این است که مذاکرات به دو بخش تقسیم شده است؛ یک بخش انتظارات ایران برای لغو تحریم‌ها و بخش دوم انتظارات طرف مقابل برای بازگشت ایران به تعهداتش در برجام که از اردیبهشت ۹۸ کاهش پیدا کرده، است. کاملاً مشخص است دو مسیر را طراحی کرده‌اند تا بتوانند مذاکرات را به جایی برسانند و من امیدوارم این موضوع به رسمیت شناخته شود که قرار نیست هر آنچه ایران می‌خواهد به آن برسد یا قرار نیست هرچه آمریکا می‌خواهد محقق شود. قرار است دو طرف به خواسته‌های همدیگر توجه کنند، به خصوص به خطوط قرمز دو طرف احترام گذاشته شود و پس از آن راجع به موضوعات قابل مذاکره که می‌توان در مقابل آن انعطاف داشت، کوتاه آمد و به راه‌حل رسید. لازم است سریع‌تر به نتیجه برسند که هرچه این تسریع بیشتر باشد کمک می‌کند تا میزان فشاری که روی ایران از لحاظ اقتصادی هست، کاهش پیدا کند. وی افزود: حال چه ما بخواهیم این را رد کنیم یا به قول بعضی‌ها آن را آدرس دادن به دشمن بدانیم مشکلی را حل نخواهد کرد؛ طرف مقابل کاملاً از جزئیات وضعیت اقتصادی ما باخبر است. موضوعی نیست که امروزه بتوان آن را پنهان کرد. عالم و آدم می‌دانند که تولید ناخالص داخلی ایران کاهش پیدا کرده و این چیزی نیست که بتوان آن را مخفی کرد. عالم و آدم می‌دانند که تورم و بیکاری افزایش پیدا کرده است، اما این‌ها دلایل گذشت ایران از خطوط قرمزش نیست که یا غنی‌سازی را کنار بگذارد یا بگوید که نمی‌خواهد تحریم‌ها را لغو کنید اما ایران می‌تواند این خواسته را مطرح کند که به جای رفع یکباره تحریم‌ها، به تدریج این اتفاق بیفتد؛ منتها سقف شروع و پایان آن هم کاملاً مشخص باشد و این که چقدر طرف مقابل از خودش انعطاف نشان می‌دهد خیلی تعیین کننده است؛ ما باید ببینیم طرف مقابل آمادگی گذشتن از خواسته‌هایی که از نظر ما ناحق هست را دارد یا خیر و آیا می‌خواهد بگوید مرغ یک پا دارد؟! وی تاکید کرد: در دیپلماسی مرغ یک پا یا دو پا ندارد، بلکه چند پا دارد. بنابراین ما باید واقعاً به این نقطه برسیم که راه‌حل پیدا کنیم و در دیپلماسی هم به ما یاد داده‌اند که هزار راه نرفته وجود دارد، اینطور نیست که وقتی یک راه به نتیجه نمی‌رسد، آن را شکست‌خورده بدانیم، راه‌های مختلف وجود دارد. البته اگر این اراده وجود داشته باشد که به توافق برسیم، اما اگر برای توافق اراده نکنیم هزار راه هم وجود دارد که مانع از رسیدن به توافق بشویم. این تحلیل‌گر سیاست خارجی در این خصوص که پیش از شروع مذاکرات وین، بسیاری از رسانه‌های خارجی روی بحث توافق موقت مانور می‌دادند که مشخص شد ایران بصورت رسمی با این مساله مخالفت کرده است. اکنون اما راهکار بازگشت همزمان به تعهدات یا بازگشت گام به گام مطرح است، این راهکارها تا چه میزان می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد، بیان کرد: این‌ها جزو همان هزار راه نرفته‌ای هستند که پیش‌تر اشاره کردم. در حال حاضر آمریکا می‌گوید که ایران ابتدا به تعهداتی که در برجام دارد، برگردد، ۱۴ گزارش آمانو هم تأیید می‌کرد که ایران قبل از اردیبهشت ۹۸ کلیه تعهداتش را بدون هیچ کم و کاستی اجرایی کرده بود. از اردیبهشت ۹۸ بود که پس از یک سال انتظار بیهوده، ایران روند کاهش تعهدات را آغاز و هر دو ماه بخشی از این تعهدات را کاهش داد. وی ادامه داد: حال طرف آمریکایی اصرار دارد که ایران ابتدا به تعهداتش برگردد، درحالی که این آمریکا بوده که از برجام خارج شده، بنابراین طرف ایران هم متقابلاً می‌گوید که اول آمریکا باید به تعهداتش برگردد، برای این‌که او خارج شده و ما به تعهداتمان عمل کرده‌ایم.

زهرا نژاد بهرام در گفت و گو با «آرمان ملی»:

از نشست‌های درون جبهه‌ای به گفت و گو با مردم می رسیم

- اصلاح‌طلبان و اصولگرایان عملگرا باشند
- عملگرا بودن یعنی برنامه داشتن و پاسخگو بودن
- اصلاحات؛ در مسیر جامعه محوری حرکت می کند
- مردم شعار نمی خواهند، فقط عمل

آرمان ملی: در جریان انتخابات خرداد ۱۴۰۰ شاهد شکاف و انشقاقی در جبهه اصلاحات در مورد ورود یا عدم ورود به انتخابات بودیم، با فرو نشستن تب و تاب انتخابات و یکدست شدن قوای سه گانه کشور طبیعتا فرصت مناسبی برای جبهه اصلاحات است تا با بازنگری در ساختار و شعارهایش بار دیگر پشتوانه مردمی خود را به دست آورد. با این حال در شرایطی که یک سال و اندی تا انتخابات مجلس دوازدهم باقی مانده هنوز اصلاح‌طلبان نسبت به بازیابی سرمایه اجتماعی و آسیب‌شناسی درونی و بازنگری در رویکردها و راهبردها نپرداخته‌اند. باید دید طی مقاطع پیش رو اصلاح‌طلبان چه رویکردی اتخاذ خواهند کرد. برای بررسی بازسازی جریان اصلاحات، بازیابی سرمایه اجتماعی و نوع نگاه اصلاح‌طلبان به فرایندهای جامعه «آرمان ملی» با زهرا نژاد بهرام فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو شورای شهر پنجم به گفت و گو پرداخته است که می خوانید.

روند بازسازی و سیاست ورزی در جریان اصلاح‌طلبان را بعد از انتخابات ۱۴۰۰ چگونه ارزیابی می کنید؟

احزاب بسته به شرایط خودشانباید سالانه یا هر دو سال یک بار کنگره برگزار کنند ، در کنگره، شورای مرکزی خودشان را انتخاب و بر اساس آن هم دبیرکل‌ها تعیین شود. این یک وضعیت ثابت است که در همه احزاب تکرار می‌شود. اما درباره مسائل احزاب اصلاح‌طلب و روند بازسازی جبهه اصلاحات که مقوله ای بسیار جدی است اصلاح‌طلبان به شدت درصدد آن هستند که این بازسازی و بازنگری صورت گیرد. برجسته ترین قسمت این تغییرات به نتایجی بر می گردد که اصلاح‌طلبان در انتخابات اخیر به دست آوردند. نیک می دانیم که بازتاب فعالیت احزاب در انتخابات مشخص می شود، اصلاح‌طلبان با توجه به شرایط خاصی که در کشور به وجود آمده بود نتوانستند در انتخابات ۱۴۰۰ به موفقیت برسند لذا طبیعتا این مهم در روند بازسازی احزاب اصلاح‌طلبان و جبهه اصلاحات تاثیر می گذارد. اما بخش مهم این روند که بیانیه های مختلف هم منعکس شده است؛ اصلاح‌طلبان معتقدباید با نگرش دیگری به مقولات مبتلا به جامعه اعم از حوزه های سیاسی،اقتصادی و... بازنگری کرد. شاید بخشی از آن هم همانطور که آقای خاتمی در پیام خودشان به هفتمین کنگره حزب اتحاد ملت ایران منعکس کردند بحث جامعه محوری است. جامعه محوری یکی از نقاط قوت اصلاح‌طلبان بود ولی در طول مدت اخیر این مقوله کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقوله قدرتباید درکنار جامعه محوری قرار بگیرد. منظور از جامعه محوری همان بخشی است که ارتباط با بدنه جامعه، نخبگان جامعه، شناخت مشکلات جامعه و جستجوی راهکارهای حل مشکلات جامعه است. گاهی مواقع می‌توانید در قدرت نباشید و از ظرفیت‌های قدرت استفاده کنید و نیازهای جامعه را شناسایی کنید و نسبت به حل آنها اقدام کنید. گاهی اوقات هم می‌توانید در قدرت نباشید اما نیازهای جامعه را شناسایی کنید و نسبت به راه حل هایی که مربوط به آن است اقدام کرده و حداقل راه حل‌هایی را پیشنهاد دهید. این مساله در واقع مستلزم تعامل مداوم با جامعه است و جامعه محور بودن یک استراتژی کلانی است که در پیشانی جریان اصلاح طلبی قرار دارد و به شدت هم مورد توجه قرار گرفته است. دو، سه بیانیه اخیری که ناسا یا همان نهاد اجماع ساز در ارتباط با وضعیت کشور، وضعیت آب و اعتراضاتی که شهروندان اصفهانی به خشک شدن رودخانه زاینده رود داشتند صادر کرده دقیقا در همین مسیر حرکت کرده است. ضمن پذیرش مسئولیتی که هر کدام از دولت‌ها نسبت به تصمیم گیری‌هایی که داشتند با تاکید بر این مهم و شانه خالی نکردن از مسئولیت پذیری مسئله و نیاز جامعه را درک کردند و نسبت به ارائه راه حل فراتر از سوگیری سیاسی و جریان‌های سیاسی مباحث خودشان را مطرح کردند. این نوع رویکردها نشان دهنده این است که در واقع اصلاح‌طلبان در مسیر بازسازی توان خود مشارکت طلبیدن شهروندان و توسعه عرصه مشارکت جویی توجه ویژه نشان دادند و راهکارهای حل مسائل کشور را در چارچوب منافع ملی مطرح می کنند.

جریانات سیاسی چگونه می توانند برای حل مسائل و مشکلات جامعه اقدام کنند؟

این نکته مهمی است که اولویت اول جریان های سیاسی کشور منافع ملی باشد فارغ از این که چه کسی در راس قدرت است، و کدام جناح قدرت سیاسی را در اختیار دارد این که به منافع و مصالح ملی توجه شود کفایت امر را می کند و این نکته شاخصی در جریان اصلاح‌طلبی است. البته پیش از این هم شاخص بوده ولی به این برجستگی حداقل در اذهان عمومی قابل مشاهده نبود ولی الان مشاهده می شود. فارغ از این که اصلاح‌طلبان باشند یا نباشند مسئله آب را مساله جدی کشور می‌دانند سوء مدیریت در دوره های مختل و ، محدودیت های منابع را جدی می داند، مسئولیت پذیری می کند و راهکار ارائه می دهد و معتقد است که بر اساس این راهکارها باید برای حل مسئله اقدام کرد. چرا که پایداری کشور در حفظ منابع آب و در حفظ رویکردهای مثبت به جریان‌های توسعه ای کشور است. اگر نقدی هم باشد فارغ از اصلاح‌طلب یا اصوگرا با این رویکرد یعنی رویکردی که به مصلحت کشور است یا نیست باید با مسائل برخورد شود. این‌ها نکات بسیار جدی و کلیدی است که در جریان اصلاح‌طلبی بر آنها تاکید می‌شود. در واقع جریان‌ها و احزاب سیاسی دیگر به‌صورت خیلی محدود به این نکات توجه کرده‌اند درحالی که این مسئله بسیار جدی است و موضوع منافع ملی کشور مقوله ای است که به شدت باید از سوی جریان‌های سیاسی کشور اولویت باشد و بعد از آن موضوع کسب قدرت تعریف شود. اما در جریان سیاسی مقابل این را کمتر می‌بینیم و اکنون نیز اصولگرایان همچنان درصدد این هستند که یک جور کشاکش با قدرت و کشاکش سیاسی را با حذف نیروهای کار آمد، کنار گذاشتن بدنه کارشناسی از بسترهای مختلف بخش‌های اجرائی کشور انجام دهند. در واقع گویا باز موضوع منافع ملی موضوع دست چندم است و منافع سیاسی و قدرت سیاسی در اختیار جناح سیاسی مسئله اصلی و اول کشور است. اما خوشبختانه اصلاح‌طلبان در این مسئله پیشگام هستند و فکر می کنم جدی‌ترین اقدام مسئولیت پذیری در مقابل اقدامی (چه درست و چه نادرست) است که انجام داده‌ایم. ما نمی‌توانیم بگوییم ما حامی دولت روحانی نبودیم، اگر دولت روحانی اشتباهی کرده است آن اشتباهات به گردن اصلاح‌طلبان هم است، اصولگرایان هم نمی توانند بگویند ما حامی دولت احمدی‌نژاد نبودیم، اگردولت احمدی‌نژاد اشتباهاتی کرده است به گردن اصولگرایان هم است. این اشکالی ندارد و ملت هم این را می پذیرد ولی اگر اشتباه فاحشی صورت گرفته مسئولیت آن را قبول کنیم و پاسخگو باشیم و در جستجوی راه حل باشیم و نگوییم کی بود، کی بود، من نبودم! این رویکرد توسعه گرایانه نیست. ولی خوشبختانه اصلاح‌طلبان با این دو بیانیه اخیر به ویژه بیانیه‌ای که در خصوص آب داده شد کاملا در مسیر توسعه‌ای قرار گرفتند و مسائل مردم و توجه ویژه به مقوله جامعه محوری را مورد توجه قرار دادند.

> **اگر دولت روحانی اشتباهی کرده است آن اشتباهات به گردن اصلاح‌طلبان هم است، اصولگرایان هم نمی توانند بگویند ما حامی دولت احمدی‌نژاد نبودیم، اگر دولت احمدی‌نژاد اشتباهاتی کرده است به گردن اصولگرایان هم است. اگر اشتباه صورت گرفته مسئولیت آن را قبول کنیم و پاسخگو باشیم**

به پیام آقای خاتمی برای کنگره حزب اتحاد ملت ایران اشاره کردید، یکی از محورهای پیام تاکید بر گفت و گوی درون جبهه‌ای و گفت و گو با مردم بود، با توجه به وضعیت اقتصادی و تنگناهای معیشتی گفت و گو با مردم چگونه ممکن است؟

مردم حرفی را که درست زده شود، می‌پذیرند و این گونه نیست که نشود با مردم گفت و گو کرد. مردم معتقد هستند اول از همه افراد فارغ از این که وابسته به چه جریان و گروهی باشند مسئولیت کارها و اقدامات صورت گرفته را بپذیرند. تاکید آقای خاتمی وقتی گفت و گوی درون جبهه‌ای و گفت و گو با مردم را مطرح می کنند بر این مبناست که از گفت و گوی درون جبهه‌ای به گفت‌و گو با مردم می‌رسیم، از آن جا که نواقص خود را بازیابی می کنیم و نسبت به آن اقدامات درست را انجام می‌دهیم و خروجی آن را به مردم ارائه می کنیم، مردم هم به دنبال شفافیت و صداقت هستند و خوشبختانه اصلاح‌طلبان در این زمینه همیشه پیشگام بودند اگر در برخی موارد سوءتفاهم و کم توجهی صورت گرفته است الان با گفت و گوی درون جریانی می شود این مقوله را مرتفع کرد. نمی‌خواهم بگویم اصلاح‌طلبان همیشه کار درست را انجام داده‌اند، چنین سخنی بر زبان راندن خطای فاحش است بالاخره هر انسان و هر جریانی که در معرض کار کردن قرار می گیرد یکسری نکات مثبت و یکسری نکات منفی دارد. برآیند کار مهم است که آیا برآیند مثبت بوده یا منفی ؟ اگر سوءتفاهم ها و عدم شفافیت‌هایی وجود دارد و احساس می شود فاصله افتادن و کمبود ارتباط با جامعه به وجود آمده است این‌ها را از طریق همان گفت و گوی درون جریانی بازتاب پیدا کند، بازتولید شود و برای آن راهکار تعیین گردد. ما باید باور کنیم که آن کسی که هزینه داده مردم هستند و جریان سیاسی وظیفه اش این است که نسبت به شناسایی معضلات اقدام کند و راهکار کارشناسی را در اختیار مردم بگذارد.

اکنون مشکل مردم آب است، ما برای مشکل آب چه راه حلی داریم؟ این خودش می‌تواند مبنای گفت و گو قرار بگیرد. در مسئله محوری باید ورود پیدا کرد. مردم به شعارها توجه ندارند بلکه بیشتر به دنبال این هستند که ببینند که مسئله آنها را چه کسی حل می کند. جریان‌های سیاسی چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب بایدعملگرا باشند و الان باید راه حل ارائه بدهند چه کسی مشکل بیکاری، مسئله اقتصاد مردم را حل می کند، چه کسی بحران کرونا را می‌تواند مرتفع کند. هر کسی و یا هر جریان سیاسی که بتواند با راهکار این مشکلات را مرتفع سازد مردم با در کنارهم قرار دادن و مقایسه راهکارها آن را می پذیرند و در این نقطه اعتماد تولید می‌شود، احساس آرامش در کنار آن جریان سیاسی ایجاد می شود ولی اگر مسائل مردم نادیده انگاشته شود و فقط مسائل تئوریک و نظری مورد توجه قرار گیرد مردم خیلی همراهی نخواهند کرد و تاکید آقای خاتمی بر این نکته است.

عملکرد دولت را در این مدت که از شروع کار آن گذشته است، چگونه ارزیابی می کنید؟

ما به‌عنوان کسانی که شهروندان این کشور هستیم انتظار داشتیم که دولت نسبت به اصلی ترین مسائل کشور یک خروجی به ما بدهد. متاسفانه در این صد روز نتوانسته‌ایم در این صد روز خروجی مشاهده کنیم. در ارتباط با سیاست خارجی باید تکلیف خودمان را با جهان مشخص کنیم. خوشبختانه در اواخر صد روز و هنوز صد روز به پایان نرسیده بود اعلام کردند که ما برای مذاکره می‌رویم. مسئله مذاکره و رویکردها باید مشخص شود؛ الان اقتصاد بازار و هم اقتصاد درونی جامعه یعنی در واقع تولید منتظر است تا نتیجه مذاکرات را مشاهده کند، مسئله سیاست خارجی مسئله مردم است حالا هر چقدر هم بگوییم ما بی توجه هستیم و مسئله بیرونی است و به ما ربطی ندارد ولی واقعیت جامعه است. امروز تاریخ مذاکره را مشخص می کنند و نرخ طلا و دلار شما تغییر پیدا می کند و براساس آن نرخ تولید دچار تغییر می‌شود و حتی ممکن است نرخ تاکسی هم تغییر بکند. این واقعیتی است که در متن جامعه ایرانی است. جامعه ایرانی یکی از سیاسی‌ترین جوامع است و مقوله اقتصاد به قدری حساس است که با نیم درجه می تواند تب کند و با نیم درجه می تواند از تب خارج بشود پس همه گفته‌های مسئولان بر روی آن تاثیر می گذارد. تصمیم گیری درارتباط با سیاست خارجی یک مسئله بسیار مهم است چون تکلیف آینده مردم تا حد زیادی مشخص می شود. باید تکلیف کرونا را مشخص کنیم، الان درست است که اکثریت مردم واکسن تزریق کرده اند ولی ۳۰ درصد مردم هنوز واکسن تزریق نکرده اند و همچنان نگران آن ۳۰ درصد هستیم. می دانیم در جامعه ای که ۸۵درصد تا ۹۰درصد جامعه واکسینه نشوند میزان بروز بیماری در آن شایع و طبیعی است. مقوله کرونا بسیار جدی است و با زندگی مردم سر و کار دارد. مسئله بعدی محیط زیست است و ما نتوانستیم برنامه کامل این دولت را در ارتباط با محیط زیست مشاهده کنیم. همه می گویند کی بود، کی بود، من نبودم! دولت قبلی بود. مردم اگر می‌خواستند بدانند مسائل‌شان به دولت قبلی مربوط است، از شما دعوت نمی کردند، تشریف بیاورید مسئولیت کشور را بر عهده بگیرد. باید برنامه خودتان را ارائه بکنید، نمی گویم همه این کارها را در ۱۰۰ روز انجام داد، اصلاامکان پذیر نیست ولی حداقل می شود برنامه را ااائه کرد و یک گام برداشت. به‌طور مثال در ارتباط با نجات هورها یک برنامه‌ای را اعلام و بگویید قراردادهایی که منجر به خشک شدن هورها شده است را متوقف می کنیم. خشکسالی و تغییرات اقلیمی پدر دنیا را در آورده است و ما هم در کنار آن هستیم. چرا ما در قرارداد گلاسکو ورود پیدا نکردیم، مردم می خواهند ببینند که برنامه ما برای محیط زیست چیست. تغییرات اقلیمی مسئله مردم است. عملگرا بودن یعنی نسبت به این مسائل برنامه داشتن و پاسخگو بودن است. نمی گویم یک روزه یا صد روزه قابل حل است اما اگر دولت برنامه داشته باشید مردم امیدوار می‌شوند و می گویند مسئولان متوجه مسئله کشور شده‌اند، متوجه بیکاری و از دست رفتن شغل‌ها شده‌اند و برنامه ارائه می‌دهند و ما هم تحمل می کنیم. اتفاقا رهبرانقلاب هم گفتند که مردم در تحمل به اوج می‌رسند، فرمایش کاملا متینی است به شرط این که برنامه‌ای باشد اما وقتی خودشان نمی‌دانند چه برنامه‌ای دارند یا شاید به مردم نگفته‌اند و ما هم جزو مردم و ابواب جمعی و شهروند این کشور هستیم.

> **تغییرات اقلیمی مسئله مردم است. صد روزه قابل حل است اما اگر برنامه داشته باشید مردم امیدوار می‌شوند و می‌گویند مسئولان متوجه بیکاری و از دست رفتن شغل‌ها شده‌اند و برنامه ارائه می‌دهند و ما تحمل می‌کنیم**

اختلافاتی که نمی‌توان نادیده گرفت

ادامه از صفحه یک / عوامل فتحا... گولن را عامل کودتا دانســت و از کشورهای تُرک زبان خواست تا مدارس مرتبط با فعالیت گولن را تعطیل کنند. مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجــه تُرکیه از جایگاه برادر بزرگتر به کشورهای آســیای مرکزی اولتیماتوم داد و برای تعطیل کردن مدارس گولن، ضرب الاجل تعیین کرد. اما قزاقستان و قرقیزستان نسبت به رفتار غیرمتعارف تُرکیه عکس العمل نشان دادند و در مهمترین واکنش، وزارت خارجه قرقیزســتان اعلام کرد که: «درست نیســت که وزیر خارجه یک کشور با زبان اولتیماتوم و شانتاژ از یک کشور دیگر چیزی درخواست کند.» قرقیزستان همچنین به همین دلیل، برگزاری ششمین نشست سازمان کشورهای تُرک که قرار بود در سال ۲۰۱۶ برگزار شود را به مدت دو سال به تعویق انداخت. ۲- در ســال ۱۹۷۴ تُرکیه به منطقه شمالی قبرس که تُرک زبان هستند، حمله کرد و پس از اشــغال آن و استقرار نیروی های نظامی، خواهان اســتقلال این منطقه از جمهوری قبرس شد. در اجلاس اخیر سازمان همکاری اقتصادی(اکو) اردوغان توقع داشت که کشورهای عضو این سازمان، استقلال بخش تُرک‌نشین قبرس را به رسمیت بشناسند اما هیچ یک از اعضای اکو حتی تُرک زبانان از این پیشنهاد حمایت نکردند. ۳- زبان رسمی تُرکیه، تُرکی استانبولی است اما رابطه این زبان با زبان های قزاقی، ازبکی، تُرکمنی، آذربایجانی و قرقیزی کاملا نامانوس است. در میان کشور های تُرک زبان در آسیای مرکزی و قفقاز، زبان روسی دارای جایگاهی بالاتر از زبان تُرکی است و در اجلاس های سران کشورهای تُرک، سخنرانی به زبان روسی بر دیگر زبانها، غلبه دارد. در عین حال یادگیری زبان روسی برای کار کردن در کشورهایی که بعد از فروپاشی شوروی، مستقل شدند، داری کاربرد ویژه اســت. یادگرفتن زبان تُرکی استانبولی نیز برای مردم کشورهای تُرک، دشوار اســت و انگیزه ای جدی برای آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، زبان تُرکی به دلیل تفاوت در گویش، نمی تواند عامل وحدت کشورهای تُرک باشد. ۴- پیوستگی جغرافیایی، یکی دیگر از مشکلات مهم در سازمان کشورهای تُرک است. از چهار کشور عضو این سازمان، سه کشور در منطقه آسیای مرکزی قرار دارند (ازبکستان،قزاقستان و قرقیزستان) ، تُرکیه در آســیای صغیر و جمهوری آذربایجان در قفقاز واقع شده است. ۵- اختلافات دوجانبه برخی از کشورهای سازمان تُرک با یکدیگر نیز یکی از موانع اتحاد این کشورهاست. به عنوان مثال، روابط تنش آلود ازبکستان با قرقیزستان، قزاقستان با قرقیزستان، ازبکســتان با تُرکمنستان، نوعی واگرایی نسبت به یکدیگر برای این کشورها، ایجاد کرده است. ازبکستان که از مسیر تُرکمنستان به ایران متصل می شود معمولا از سختگیری‌های ترانزیتی تُرکمنستان ناخرسند بوده و روابط متقابل تاشکند و بیشکک هم به دلیل اختلافات آبی و مرزی با پیچیدگی مواجه بوده است. ۶- حمایت تُرکیه از گروه‌های تروریستی تکفیری در آسیای مرکزی هم یکی از موارد عدم اعتماد به تُرکیه است. تُرکیه و ازبکســتان به دلیل حمایت تُرکیه از حزب التحریر ازبکستان و پناه دادن به آنها؛ مدت‌های طولانی روابط سردی را تجربه کردند و اســلام کریم اف تا زمان مرگ خود، مخالف پیوستن به سازمان کشورهای تُرک بود. قرقیزستان نیز موضع مشابهی دارد و حمایت تُرکیه از مخالفان اسلامگرای اهل سنت خود را برنمی تابد. تُرکیه در دوران ظهور داعش در ســوریه، بطور غیرمســتقیم، جوانان اهل سنت جمهور آذربایجان را تشــویق به همراهی با داعش می کــرد و پس از آموزش، در خاک خود، آنان را به سوریه گســیل می داشت. به همین دلیل جمهوری آذربایجان، مدتها مسجد بزرگ تُرکها در باکو را تعطیل کرد و مانع حضور مبلغین تُرکیه در شهرهای سنی نشین زاگالاتا، گاخ و شکی شد. چین و روسیه نیز نسبت به فعالیت مبلغین تُرک در مناطق مسلمان نشین خود بسیار حساس هستند. به‌خصوص اینکه نارضایتی مقامات تُرکیه از فشار چین بر مســلمانان؛ موجب شد که در ســال ۲۰۱۵ گردهمائی‌های ضد چینی با درخواست دفاع از حقوق اویغورهای تُرک، در تُرکیه برگزار شود. ۷- اعضای ســازمان کشــورهای تُرک با دقت اختلافات تُرکیه با آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه را رصد کرده و به دلیل روابط خوب با این کشورها، از گره زدن منافع خود با تُرکیه پرهیز دارند. این کشورها نگران این هستند که جاه طلبی رهبران تُرکیه برای ایجاد یک بلوک متحد، آنان را به ناراضی ساختن دوستان ســنتی خود، مثل آمریکا، اروپا، چین و روسیه بکشاند. برخی از کارشناسان کشورهای تُرک معتقدند اردوغان تحت پوشش اهداف اقتصادی، تحقق اهداف سیاسی و حتی نظامی خود را دنبال می کند. در مجموع، تلاش اردوغان به‌خصوص پس از تحولات اخیر قره باغ برای تبدیل کردن تُرکیه به رهبر پاسداری از هویت تُرکی و استفاده از ظرفیت سیاسی و اقتصادی کشورهای تُرک‌زبان برای تحقق اهداف خود، نتیجه مطلوبی نداشته و به‌نظر نمی رسد موضوع اتحاد همه جانبه کشورهای تُرک، امری محتوم و دست یافتنی باشد.

فــرارو

رضا نصری:

ایران ورود هوشمندانه به مذاکرات داشت

یک کارشناس ارشد مسائل بین الملل، در خصوص ارزیابی هفتمین دور مذاکرات وین که در روز جمعه به پایان رسید، اظهار داشت: ایران ورود بسیار هوشمندانه و معناداری به صحنه مذاکرات داشت. ترکیب تیم مذاکره‌کننده، تعداد اعضای هیات ایرانی و همچنین وزن کارشناسی آن مجموعا حاوی این پیام بود که «ایران برای حل مسئله به میدان آمده» و در این راه نیز آماده و مصمم است. رضا نصری گفت: علاوه بر این، هیأت ایرانی با یک بسته پیشنهادی بر سر میز آمد و در عمل بدون فوت وقت وارد متن ماجرا شد. ضمن اینکه مواضعی که آقای باقری کنی در مصاحبه‌ها و نشست‌های خود بیان داشت برخلاف گمانه‌زنی‌ها مواضع عملگرایانه، حقوقی و متوازنی بود. در مجموع، به نظرم هم فُرم و هم محتوا به نحوی اندیشیده شده بود که از یک سو فضاسازی‌های طرف مقابل - مبنی بر اینکه ایران صرفاً قصد وقت‌کُشی دارد- تا حدودی تعدیل شود و از سوی دیگر، افکارعمومی و بازار کسب‌وکار در داخل کشور از اینکه دولت جدید در لغو تحریم‌ها و احیای برجام مصمم است آسوده‌خاطر شود. وی در مورد دو سند ارزائه شده از سوی ایران در خصوص لغو تحریم‌ها و هسته‌ای بیان کرد: در مورد جزئیات دو سند، هنوز اطلاعاتی در دسترس عموم نیست. اما اینکه بعد از دور اول مذاکرات برخی رسانه‌ها تلاش کنند پیشنهادات و مواضع ایران را غیرمنطقی و زیاده‌خواهانه جلوه دهند؛ یا اینگونه القا کنند که مذاکرات قطعاً شکست خواهد خورد، کاملاً قابل پیش‌بینی بود. هدف آن‌ها این است که با این فضاسازی‌ها به تیم مذاکره‌کننده ایران فشار بیاورند، فضای داخل کشور را ملتهب کنند و به خصوص بازار ارز را نیز تحت تأثیر قرار دهند. اما حقیقت این است که به رغم همه این جوسازی‌ها، در نهایت بنا شده دور بعدی مذاکرات آن هم در هفته آینده مجدداً برگزار شود! وی افزود: از بدو ورود تیم مذاکره‌کننده ایران به وین شاهد بودیم چگونه ابتدا در مورد تعداد اعضای هیات ایرانی، سپس در مورد هزینه اقامت آن‌ها در هتل و بعد در مورد محتوای پیشنهادات ایران -به‌ویژه در مورد دستاوردهای شش دوره مذاکرات قبل -شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی صورت گرفت. نصری در تحلیل اظهارات برخی مقامات طرف های مقابل ایران در این مذاکرات مدعی هستند که تیم ایران متوجه فوریت شرایط نیست و یا خواسته های ایران ناامیدکننده و زیاده خواهانه است، عنوان کرد: در تحلیل تعاملات دیپلماتیک، باید همواره در نظر داشت که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها بسیار خوب می‌دانند چگونه -با تزریق اخبار گزینشی و برخی کلیدواژه‌ها به رسانه‌ها- از ظرفیت آن‌ها برای پیش‌برد اهداف خود بهره‌برداری کنند. به همین خاطر هم لازم است اولاً افکار عمومی در داخل نسبت به این ترفندها آگاه باشد و به سادگی تحت تاثیر این جوسازی‌ها قرار نگیرد؛ و ثانیاً، تیم «روابط عمومی» هیأت ایرانی نیز برای مواجهه با این فضا کاملاً آماده باشد و متناسب با ذائقه مخاطب به روشنگری و تشریح مواضع برحق خود بپردازد. وی در عین حال تاکید کرد: در این راستا، باید توجه داشته باشیم که توسل به یک گفتمان و ادبیات «پسااستعماری»- که ذات و ماهیت و تاریخ غرب را زیر سئوال می‌برد و ناگزیر در ذهن مخاطب به شکل گیری نوعی قطب‌بندی منجر می‌شود -به هیچ عنوان به نفع منافع ایران نخواهد بود. حقیقت این است که کمک به ایجاد چنین بستری تنها به نیروهایی کمک خواهد کرد که از هم‌اکنون می‌خواهند با این فضاسازی‌ها راه را برای تصویب طرح‌های جدید در کنگره و ایجاد مانع تازه و اجماع علیه ایران همواره سازند. این کارشناس ارشد مسائل بین الملل در خصوص تلاش‌های مقامات صهیونیستی در به بن بست کشاندن این مذاکرات و فشارهای آنها بر توقف انجام این مذاکرات اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اسرائیل این است که ببینند ایران و آمریکا در یک موضوع راهبردی به یک راه‌حل دیپلماتیک رسیده‌اند، حتی زمانی که دولت ایران از «ضد آمریکایی»ترین و به اصطلاح «تندروترین» جناح‌های سیاسی کشور تشکیل شده است! اگر فعالیت لابی‌های اسرائیل در واشنگتن را طی سی سال اخیر بررسی کنید، خواهید دید مهم‌ترین تلاش آن‌ها همواره این بوده که از هرگونه تعامل دیپلماتیک بین ایران و آمریکا، از هرگونه توافق کوتاه‌مدت و بلندمدت و از هرگونه گام در جهت تنش‌زدایی و همزیستی جلوگیری کند. وی تصریح کرد: جای تعجب است چرا ایران این تکاپوی لابی‌ها و این حساسیت رژیم اسرائیل را نادیده می گیرد و از آن برای پیشبرد منافع خود در کارزارهای دیپلماتیک استفاده نمی کند؟ به عنوان مثال، نخست‌وزیر اسرائیل اخیراً در تماس تلفنی با آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا به صراحت خواستار توقف مذاکرات وین شده است! حال سوال اینجاست چرا در واکنش به تلاش‌های او، دولت ایران با گفت‌وگوی مستقیم با هیأت آمریکایی موافقت نمی‌کند؟

نکتــه

وزیر امور خارجه آمریکا:

خروج از برجام آمریکا را منزوی کرد

وزیر امور خارجه آمریکا درباره روند مذاکرات وین اظهار داشت: ما کماکان بر این باوریم که دیپلماسی و بازگشت متقابل به پایبندی به توافق هسته ای با ایران، موسوم به برجام است اما این مسیر در حال باریک و باریک تر شدن است. مسئله این است که خروج از برجام یک اشتباه فاجعه آمیز بود، چرا که به ایران اجازه داد علی رغم فشار حداکثری علیه این کشور برنامه هسته ای خود را توسعه دهد، درحالیکه توافق هسته ای موجب محدودیت آن شده بود. آنتونی بلینکن گفت: ایران به ویژه طی ماه‌های اخیر سانتریفیوژهای پیشرفته بیشتری را به کار گرفته و اقدام به غنی‌سازی در سطوح بالاتر کرده است و این موجب شده تا فضای ما برای بازگشت به توافق کوچکتر شود. ما پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران ۶ دور مذاکره داشتیم و نتایج واقعی برای حل اختلافات حاصل شده بود، اما بعد از انتخابات شکاف بزرگی داشتیم و دولت جدید (ایران) به مذاکرات بازنگشت. وزیر امور خارجه آمریکا تصریح کرد: یکی از نتایج مثبتی که مشارکت دوباره ما در مذاکرات هسته‌ای در پی داشت این بود که ما مجددا با نزدیکترین متحدان و شرکای خود در یک سمت قرار گرفته ایم. ما از یکدیگر جدا شده بودیم و البته این آمریکا بود که با خروج از برجام منزوی شد، نه ایران.